

کتاب ایوب

جلسه ۳۰: کاربرد کتاب ایوب

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه 30، کاربرد کتاب ایوب است.

مقدمه: کاربرد، نه نکته عملی، بلکه نکات تفکر [۱:۵۳-۰۰:۲۳]

خب، در نهایت، چطور می‌توانیم به کاربرد کتاب ایوب فکر کنیم؟ ما از کتاب ایوب چه چیزهایی برای زندگی‌مان یاد گرفته‌ایم؟ وقتی به کاربرد فکر می‌کنم، لزوماً به آن به عنوان نکات عملی که می‌توانم این هفته انجام دهم فکر نمی‌کنم. هیچ اشکالی در این مورد وجود ندارد، و گاهی اوقات می‌توانیم چیزهایی را شناسایی کنیم که واقعاً می‌توانند رفتار ما را تغییر دهند، وقتی به چیزی که اشتباه انجام می‌دادیم اشاره شده است. اشکالی ندارد اما من فکر می‌کنم جنبه‌ی مهم‌تری از کاربرد وجود دارد؛ به جای فکر کردن به نکات عملی، ترجیح می‌دهم از نکات فکری صحبت کنم. چگونه می‌توانیم متفاوت فکر کنیم؟ در نهایت، ما نمی‌خواهیم کتاب مقدس فقط یک راه حل سریع برای این هفته به ما ارائه دهد. ما می‌خواستیم که آن در قلب و زندگی ما نفوذ کند تا واقعاً شروع به متفاوت فکر کردن کنیم. همانطور که متفاوت فکر می‌کنیم، متفاوت عمل خواهیم کرد. همانطور که متفاوت فکر می‌کنیم، برای هر اتفاقی که ممکن است بیفتد آماده خواهیم بود، به جای اینکه فقط یک استراتژی کوچک برای یک نکته‌ی عملی در این هفته داشته باشیم.

آمادگی برای رنج [۴:۲۰-۱:۵۳]

در مورد چیزی مانند رنج کشیدن و فکر کردن به خدا، وقتی زندگی اشتباه پیش می‌رود، باید برای آن آماده باشیم. یک دونه مارا تن یک روز صبح از خواب بیدار نمی‌شود و تصمیم نمی‌گیرد که همان روز در مارا تن بدود. یک نوازنده پیانو در مقابل هزاران نفر وارد سالن کنسرت نمی‌شود و تصمیم نمی‌گیرد که یک قطعه پیچیده را با دشیفر، بخواند. این آمادگی است که به ما فرصت موفقیت می‌دهد. زندگی هم فرقی ندارد. ما باید برای اتفاقات زندگی چیزهایی که بدون هشدار به ما می‌رسند، آماده شویم. اگر منتظر بمانید تا اتفاق بیفتد، واقعاً برای آن آماده نخواهید بود. برای آماده شدن خیلی دیر خواهد بود. وقتی بچه‌هایم کوچک بودند و آماده رانندگی می‌شدند، تصمیم گرفتم که واقعاً ایده خوبی نیست که منتظر بمانم تا در یک جاده تاریک و متروکه پنچر شوند و بعد یاد بگیرند که چگونه لاستیک پنچر را عوض کنند. بنابراین، یک روز خوب و راحت را در حیاط خانه انتخاب کردیم و یاد گرفتیم که چگونه لاستیک را عوض کنیم.

از قبل آماده شوید زیرا وقتی شرایط واقعی رخ می‌دهد، ممکن است واقعاً حال و حوصله‌ی آن را نداشته باشید. گاهی اوقات در مورد کتاب ایوب اینطور فکر می‌کنم. مطمئن نیستم که وقتی واقعاً رنج را شروع کرده‌اید، کتاب خوبی برای خواندن باشد، زیرا باید آنقدر صبورانه و تقریباً خسته‌کننده از آن عبور کنید تا آنچه را که باید به شما بدهد، به دست آورید. وقتی رنج بر ما هجوم می‌آورد، ما تمرکز کافی برای آن را نداریم؛ ما دامنه‌ی توجه کافی نداریم.

بنابراین، مهم است که سعی کنیم درس‌ها را یاد بگیریم، آن نکات تفکر را در خود ریشه‌دار کنیم و مخزن فهم را پر کنیم تا بتوانیم در مواقع نیاز در زندگی از آن استفاده کنیم.

ایوب برای آسایش ما نیست [۵:۲۰-۴:۰۱]

خب، بیایید کمی در موردش صحبت کنیم. آیا این کتاب تسلی می‌دهد؟ مطمئناً قصدش این نیست. سعی نمی‌کند شما را تسلی دهد. ایوب از دوستان یا خانواده یا از یهوه تسلی نمی‌گیرد. از طریق توضیحات یا پاسخ‌ها تسلی نمی‌دهد. و واقعاً، حتی وقتی احیا وجود دارد، قرار نیست که تسلی‌بخش باشد. نه، این کتاب تسلی نمی‌دهد. این روشی نیست که ما باید در مورد به کار بردن آن فکر کنیم.

ایوب پذیرش را می‌آموزد و نکات تفکر را تشویق می‌کند [۷:۴۶-۵:۰۱]

جایگزین آرامش این است که کتاب به ما کمک می‌کند تا پذیرش را یاد بگیریم. پذیرش در به دست آوردن دیدگاهی اصلاح‌شده نسبت به درد یا رنج ما یافت می‌شود. به ما کمک می‌کند تا در مورد خود و موقعیت خود از دیدگاه‌های مختلف فکر کنیم و خدا را در پرتوی جدید ببینیم. این کتاب می‌تواند به ما کمک کند تا پذیرش آنچه را که در زندگی با آن روبرو می‌شویم، هر چقدر هم که دشوار باشد، در خود پرورش دهیم. من سعی ندارم آن را به چیزی که واقعاً بتوان از آن چشم‌پوشی کرد، تقلیل دهم. ما می‌دانیم که رنج کشیدن اینطور نیست. کتاب ایوب به ما کمک می‌کند تا شرایط کنترل خدا را درک کنیم، نه محدودیت‌های کنترل خدا، شرایط کنترل خدا و آنچه که باید ما را به انتظار یا عدم انتظار سوق دهد. انتظارات بسیار مهم هستند. ما نباید انتظار داشته باشیم که در توضیحات آرامش پیدا کنیم. ما می‌خواهیم بپذیریم که خدا چگونه جهان را به کار انداخته است، بپذیریم که آنچه تجربه می‌کنیم بیهوده نیست.

این کتاب به ما امید و دلیلی برای اعتماد کردن می‌دهد. بنابراین، ما در اینجا مجموعه‌ای از دستورات راهپیمایی، یک برنامه اصلاحی، که به ما می‌گوید چگونه این هفته عمل کنیم، نداریم. این می‌تواند با کمبودها یا شکست‌های ما مقابله کند، اما مانند پرداخت صورتحساب‌ها در یک بحران مالی است. شما فقط سعی می‌کنید با انبوه صورتحساب‌ها همگام باشید. اما به ما یاد می‌دهد که یاد بگیریم، فکر کنیم. این نکات تفکر چیزی است که من آن را برنامه‌سازنده می‌نامم. این شامل چیزی بیش از انجام کار درست است. ما را در مسیر فکر کردن به آنچه

درست است، قرار می‌دهد تا به عادات و روال‌های خوب تفکر دست یابیم. این شامل نحوه تفکر ما در مورد خودمان، نحوه تفکر ما در مورد دنیای اطرافمان است. و البته مهمتر از همه، نحوه تفکر ما در مورد خدا. این پایه و اساس یک عمر منابع درونی را فراهم می‌کند که به ما کمک می‌کند تا به موقعیت‌هایی که ممکن است با آنها روبرو شویم، به خوبی پاسخ دهیم. به جای پرداخت صورتحساب‌های معوق در یک بحران مالی، مانند باز کردن یک حساب پس‌انداز و داشتن پول در بانک برای آینده است. هیچ یک از ما دوست نداریم فقیر باشیم

خدا بی‌ارزش نیست [۸:۵۹-۷:۴۶]

بنابراین، چه نکات تفکری در مورد خدا وجود دارد که می‌توانیم در زندگی و تفکر خود به کار ببریم؟ خدا بی‌عیب و نقص نیست. البته، صرف نظر از تنبیه، خدا کسانی را که دوست دارد تنبیه می‌کند. اما لطف را به خاطر داشته باشید؛ خدا خدای لطف است.

اخيراً با شخصی صحبت می‌کردم که تمام عمرش مسیحی ثابت قدمی بوده است. آنها اکنون در مراحل پایانی یک بیماری لاعلاج بودند. آنها ابراز نگرانی می‌کردند که به نحوی، هنگام ایستادن در مقابل مسیح، به دلیل کم کاری مورد انتقاد قرار گیرند. این شخص تمام عمرش را صرف خدمت خالصانه به خدا کرده بود و کمی از این باور که خدا ناچیز است، در او وجود داشت. لطف الهی را به خاطر داشته باشید.

خدا در برابر ما پاسخگو نیست [۹:۱۸-۸:۵۹]

نکته‌ی قابل تأمل دیگر در مورد خدا، چیزی است که قبلاً چندین بار به آن اشاره کرده‌ایم. خدا در قبال ما پاسخگو نیست. هرگز فکر نکنید که خدا در قبال ما پاسخگو است. ما نباید به خدا سوءظن داشته باشیم، به طوری که آماده باشیم به او شک کنیم و بدترین فکرها را در مورد او بکنیم.

خدا موجودی بی‌نظم و آشفته نیست [۹:۵۳-۹:۱۸]

نکته قابل تأمل دیگر این است که خدا به جای اینکه خودسر باشد، ثابت قدم است. او خیر است نه شر. او با نمایش لطف و رحمت مشخص می‌شود، نه با سوءاستفاده از قدرت غیرقابل کنترل. خدا موجودی آشفته و قدرتمند، مودی، خودسر، غیراخلاقی، و تحت تأثیر غرایز و خودخواهی نیست. خدا موجودی آشفته و بی‌نظم نیست.

نباید خودمان را به قیمت خدا تبرئه کنیم [۱۰:۱۳-۹:۵۳]

نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که ما نباید خودمان را به قیمت خدا توجیه یا تبرئه کنیم. ما قبلاً در کتاب ایوب در مورد این مسائل صحبت کرده‌ایم و باید آنها را در زندگی و تفکر خود جذب کنیم.

دستکاری خدا ایده بدی است [۱۰:۵۱-۱۰:۱۳]

دستکاری در خدا همیشه ایده بدی است -- همیشه ایده بدی است. ما جرات نداریم سعی کنیم خدا را تغییر دهیم. او باید ما را تغییر دهد. هر تصویری که فکر می‌کنیم می‌توانیم با خدا بسازیم تا او را مجبور به رسیدگی به خواسته‌هایمان کنیم، در نهایت او را تضعیف خواهد کرد. شما این نتیجه را نمی‌خواهید. ما خدایی را نمی‌خواهیم که مطیع ما باشد. چنین خدایی، خدا نیست. ما هرگز نباید فکر کنیم که می‌توانیم با تحمیل وعده‌هایش به او، او را به گوشه‌ای برانیم. احتمالاً وعده‌هایی که ما استفاده می‌کنیم، به هیچ وجه وعده نیستند. یا همانطور که ایوب با سوگند بی‌گناهی خود انجام داد، سعی در دستکاری خدا داریم. ما نمی‌توانیم او را به گوشه‌ای برانیم. ما نمی‌خواهیم. ما نباید این کار را بکنیم.

ما نمی‌توانیم از خدا چیزی بخواهیم [۱۲:۴۴-۱۰:۵۱]

ما هرگز نباید فکر کنیم که می‌توانیم از خدا بخواهیم که در زمان‌های دلخواه ما، با مکانیسم‌های مشخص ما، به ما پاسخ دهد. ما در موقعیتی نیستیم که بتوانیم درخواستی داشته باشیم. ما هرگز نباید فکر کنیم که چون خود را وفادار می‌دانیم، خدا به ما این نوع پاسخی را که می‌خواهیم بدهکار است. خدا هیچ بدهکاری به ما ندارد. ما چیزی به دست نیاورده‌ایم. می‌توانیم آزاده‌ای برای نتایجی که می‌خواهیم دعا کنیم، شفا، راهنمایی، هر چه که باشد، اما در این فرآیند، خدا باید آزاد باشد که خدا باشد. نمی‌تواند طور دیگری باشد. گاهی اوقات به قدرت او برای زندگی با مشکلات جسمی نیاز داریم تا شفا را از آن مشکلات. ما باید این را بپذیریم. گاهی اوقات به تشویق او برای ادامه در موقعیتی که به نظر ما غیرقابل تحمل می‌رسد نیاز داریم تا اینکه او را وادار به تغییر شرایط ما کنیم. گذشته از همه اینها، دعای خداوند را به یاد داشته باشید: "پادشاهی تو بیاید" - نه من. "اراده تو انجام شود" - نه من.

پارسایی بی‌غرض [۱۲:۴۴-۱۴:۵۵]

دعاهایی که خدا بیشترین لذت را از اجابت آنها می‌برد، دعاهایی هستند که از او می‌خواهند ما را به افرادی تبدیل کند که بتوانند در هر کجا که ما را قرار می‌دهد، به او خدمت کنند و به او احترام بگذارند. بنابراین، بیایید به این موضوع عدالت بی‌غرضانه بپردازیم. ایوب نشان می‌دهد که چنین چیزی وجود دارد. و بنابراین، آیا عدالت و وفاداری ما بی‌غرضانه است؟ اگر ما تمام شواهد برکت خدا را در زندگی امروز خود از دست می‌دادیم، همانطور که ایوب از دست داد، اگر هیچ امیدی به نعمت‌های آینده، بهشت یا زندگی ابدی نداشتیم، این وضعیتی بود که ابراهیم باید در نظر می‌گرفت، آیا باز هم به خدا وفادار می‌ماندیم و با زندگی خود به او خدمت می‌کردیم؟ آیا به او خدمت می‌کنیم چون شایسته است یا چون سخاوتمند است؟ این یک سوال ساده است. اگر هیچ فایده‌ای وجود نداشت، آیا به او خدمت می‌کردیم؟ ما سوار بر سواری نیستیم که در پایان جایزه‌ای داشته باشد. ما در رابطه‌ای هستیم که مسئولیت‌هایی را به همراه دارد. رابطه ما با خدا از طریق مسیح فقط نجات از گناهان ما نیست. مهمتر از آن نجات یافتن به یک دعوت و یک رابطه است، رابطه‌ای با خدا که در آن ما در کار پادشاهی شریک هستیم. رابطه

ما با خدا از طریق مسیح به ما آن جایگاه جدید، آن هویت جدید، شرکایی در پادشاهی خدا، و در جهت برنامه‌ها و اهداف او تلاش می‌کنیم. این رابطه تا آسمان متوقف نمی‌شود. در مسیح بودن مهم‌تر از آسمانی بودن است.

اول پطرس ۳:۱۵ پاسخی برای امید در بستر رنج [۱۶:۵۵-۱۴:۵۵]

اول پطرس، ۳:۱۵ «در دل هایتان، مسیح را به عنوان خداوند تکریم کنید. همیشه آماده باشید تا به هر کسی که از شما دلیل امیدی را که دارید می‌پرسد، پاسخ دهید.» به نظرم باور نکردنی است که ما اغلب از این آیه طوری استفاده می‌کنیم که انگار فراخوانی برای دفاعیات است. و بنابراین، ارائه دلیل برای امید، ارائه دلیل و تفسیر برای همه باورهایمان است. این چیزی نیست که آیه می‌گوید و این چیزی نیست که متن به آن اشاره می‌کند. این بخشی درباره رنج است. و وقتی می‌گوید: «آماده باشید تا به هر کسی که از شما دلیل امیدی را که دارید می‌پرسد، پاسخ دهید»، به موقعیتی اشاره دارد که آشکارا رنج می‌برید و همه اطرافیان‌تان آن را می‌دانند و می‌بینند. وقتی می‌بینند که با امید پاسخ می‌دهید، همین حالا آن را می‌خواهند. آنها می‌پرسند، چگونه می‌توانید پر از امید بمانید وقتی زندگی‌تان در چنین آشفتگی است؟ و پطرس می‌گوید، یک پاسخ آماده داشته باشید. این درباره ماست که توضیح دهیم چگونه درباره خدا، درباره جهان، درباره رنج فکر می‌کنیم. آماده باشید که پاسخ دهید.

حکمت خدا و پاسخ اعتماد ما [۱۶:۵۵-۱۷:۴۱]

اگر واقعاً باور داریم که خدا حکیم است و ما نیستیم، می‌توانیم علی‌رغم عدم درک خود، کنترل امور را به او بسپاریم. وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم، به دنبال علت هستیم؛ باید به آینده نگاه کنیم و به دنبال هدف باشیم. لازم نیست تصور کنیم که توضیحی وجود دارد. ما نمی‌توانیم خدا را نادیده بگیریم. اینها نکاتی هستند که دیده‌ایم. باید تلاش کنیم تا عدالتی داشته باشیم که مبتنی بر مزایایی که دریافت می‌کنیم نباشد. حکمت خدا غالب است. اعتماد تنها پاسخ ممکن است.

کلبه: خدا نیکوست [۱۷:۴۱-۲۰:۲۵]

این موضوع به طرز بسیار تکان‌دهنده‌ای در رمان نسبتاً بحث‌برانگیز ویلیام پل یانگ با عنوان «کلبه» مطرح شده است. چیزهای زیادی در این کتاب وجود دارد که مردم بحث‌برانگیز می‌دانند، و شاید برخی از آنها به طور مناسب بحث‌برانگیز باشند. اما من دریافت می‌کنم که این کتاب بینش‌های باور نکردنی برای ارائه دارد. می‌خواهم دو بخش کوتاه از انتهای کتاب را بخوانم، جایی که شخصیت خدا با شخصیتی که رنج کشیده صحبت می‌کند. با توجه به آنچه از کتاب ایوب آموخته‌ایم، به این گوش دهید. «شما سعی می‌کنید بر اساس تصویری بسیار کوچک و ناقص از واقعیت، جهانی را که در آن زندگی می‌کنید، درک کنید. مثل این است که به رژه‌ای در میان گره کوچکی از آسیب، درد، خودمحوری و قدرت نگاه کنید و باور کنید که تنها و بی‌اهمیت هستید. همه این افکار حاوی دروغ‌های قدرتمندی هستند. شما درد و مرگ را شر نهایی می‌دانید، و خدا را خائن نهایی یا شاید در بهترین حالت، اساساً

غیرقابل اعتماد می‌دانید. شما شرایط را دیکته می‌کنید و اعمال من را قضاوت می‌کنید و مرا گناهکار می‌دانید. نقص اساسی واقعی در زندگی شما این است که فکر نمی‌کنید من خوب هستم. اگر می‌دانستید که من خوب هستم و هر چیزی که معنا، اهداف و تمام فرآیندهای زندگی فردی را در بر می‌گیرد، همه تحت پوشش خوبی من است، در حالی که ممکن است همیشه آنچه را که من انجام می‌دهم درک نکنید، به من اعتماد می‌کردید، اما این کار را نمی‌کنید. شما نمی‌توانید اعتماد ایجاد کنید، همانطور که نمی‌توانید فروتنی ایجاد کنید. یا هست یا نیست. اعتماد ثمره رابطه‌ای است که در آن می‌دانید دوست داشته می‌شوید. چون نمی‌دانید که من شما را دوست دارم، نمی‌توانید رابطه‌ای داشته باشید. اعتماد کنید»

رومیان ۳۳:۱۱-۳۵: ژرفای حکمت او [۲۳:۰۵-۲۰:۲۵]

بینش‌های قدرتمند. این بسیاری از ما را توصیف می‌کند. ما وقتی زندگی‌مان از هم می‌پاشد، به خدا شک می‌کنیم. من با یک عبارت معروف از رومیان فصل ۱۱، آیات ۳۳ تا ۳۵، بحث را به پایان می‌رسانم. این یک ستایش است، که بارها شنیده‌ایم، اما با توجه به کتاب ایوب به آن فکر کنید. و هنگام خواندن آن، آن را گسترش خواهم داد. "ای عمق ثروت حکمت و دانش خدا." توجه کنید که چگونه به عنوان حکمت و عمق ثروت حکمت خدا مطرح می‌شود. اما سپس به سطر بعدی نگاه کنید. "احکام او چقدر کاوش‌ناپذیر است." احکام، این عدالت اوست. این چیزی است که ما در مورد آن صحبت می‌کردیم. "احکام او چقدر کاوش‌ناپذیر است." شما نمی‌توانید همه اینها را بفهمید، "و راه‌های او فراتر از ترسیم است." سپس به جای منطقی بعدی می‌رود. گام بزرگ بعدی این است که چه کسی فکر خداوند را شناخته است. "ما نمی‌توانیم تشخیص دهیم که او چه می‌کند. "یا چه کسی مشاور او بوده" است. "برای یک دقیقه فکر نکنید؛ می‌توانید او را نصیحت کنید، راه بهتری به او بگویید، همه چیز را برایش توضیح دهید. و سپس دقیقاً به این نکته می‌رسد که "چه کسی تا به حال به خدا چیزی داده است که خدا به او عوض دهد؟" او هیچ چیزی به ما بدهکار نیست. ما لیاقت هیچ چیزی را نداریم. و سپس با ستایش پایان می‌یابد: "زیرا از او و به وسیله او و برای اوست همه چیز. و جلال تا ابد از آن اوست." -- اعتماد

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه 30 کاربرد کتاب ایوب است. [23:05]